



به یاد «پرچم هدایت»؛ (علم الهدی، فرزند علی «ع»)

دو برادر بزرگ شیعه سید رضی و سید مرتضی علم الهدی دو برادر اندیشمند و دو تن از بزرگان شیعه در قرون چهارم و پنجم هجری هستند که به تنهایی صاحب سهم بزرگی از تعالی مکتب شیعه و فقه جعفری می باشند.

دو برادر بزرگ شیعه سید رضی و سید مرتضی علم الهدی دو برادر اندیشمند و دو تن از بزرگان شیعه در قرون چهارم و پنجم هجری هستند که به تنهایی صاحب سهم بزرگی از تعالی مکتب شیعه و فقه جعفری می باشند. سید مرتضی علم الهدی ابوالقاسم علی بن الحسین معروف به سید مرتضی و علم الهدی، در رجب سال 355 هجری قمری در شهر بغداد دیده به جهان گشود. پدرش حسین موسوی بود که منصب رسیدگی به کار و زندگی سادات دودمان ابوطالب و مسئولیت نظارت بر دیوان مظالم و سرپرستی زائران خانه خدا را که از منصب‌های مهم آن روز بود به عهده داشت. پدر بزرگش نیز ابراهیم مجاب از نوادگان حضرت امام کاظم (علیه السلام) بود. برادر بزرگوارش نیز سید رضی (ره) می باشد. سید مرتضی یکی از چهره های امید آفرین و هدف بخش و سازنده جهان تشیع و بلکه افتخار اسلام به شمار آمده ، آثار علمی و زندگی اجتماعی و شخصیت معنوی او برای همه نسلها آموزنده و الهام بخش است . گرچه بیش از هزار سال از روزگار او می گذرد، شایستگی و برجستگی های وی سد زمان را شکسته و تا امروز امتداد یافته است. داستان آغاز تحصیل

گویند شیخ مفید در رؤیا دید که فاطمه زهرا (س) حسنین را پیش او آورده است و می فرماید: «یا شیخ عِلْمُهُما الفقه« (به ایشان فقه آموز). فردا صبح همان شب، فاطمه مادر سید مرتضی و سید رضی، دو پسر خود را که در آن موقع خردسال بوده اند پیش شیخ آورده. فاطمه مادر کودکان، همان عبارت مذکور در رؤیا را به زبان آورده گفت: «یا شیخ اِنَّ هُمَا ابْنَتَانِی عِلْمُهُما الفقه« «ای شیخ ایشان پسران من اند، این ها را پیش تو آورده ام که فقه تعلیمشان دهی.« [ریحانة الادب، ج 4، ص 185].

مقام علمی

جناب سید مرتضی به حق شاگرد اصلی شیخ مفید می باشد که بنا بر آنچه نقل شده، شیخ مفید بعد از خوابی که دید و دو فرزند حضرت فاطمه (علیها السلام) را به فرزند قبول کرده بود، سیدمرتضی و سیدرضی را به شاگردی قبول کرد و تا آخر عمر به بارور کردن علم و عمل این دو برادر کوشید.

استادان دیگر این بزرگوار عبارتند از: ابومحمد هارون فرزند موسی تلعبیری، شیخ محمد صدوق،

حسین بن علی بابویه برادر شیخ صدوق،

احمد بن علی بن سعیدکوفی، ابوالحسن علی بن محمد کاتب و بسیاری علماء اعلام دیگر.

خداوند متعال به سید مرتضی استعدادی وافر داده بود و او نیز از این نعمت بزرگ الهی به خوبی بهره برداری کرد و در نتیجه تلاش و کوشش در مدتی نه چندان طولانی

کتاب زیادی تألیف کرد. مرحوم علامه امینی در الغدیر نام 86 اثر او را بیان کرده یکی از کتاب های وی

دیوان معروف او با بیست هزار بیت است.

لقب علم الهدی، (پرچم هدایت)

ابوسعید محمد بن حسین وزیر القادر بالله

(خلافت 381-422) در سال 420 بیمار شد.

شبی در خواب دید که علی بن ابی طالب به او می فرماید:

«به علم الهدی بگو برای تو دعا کند تا از بیماری بهبود یابی.« وزیر گفت: «ای امیرالمؤمنین، علم الهدی

کیست؟« فرمود: «علی بن حسین موسوی است.« چون از خواب برخاست، نامه ای به سید مرتضی نوشت که

برای او دعا کند و در آن نامه او را علم الهدی خواند.

سید مرتضی در ابتدا از قبول این لقب امتناع می ورزید تا آن که خلیفه پیام فرستاد که شایسته است لقبی را که جدت داده است

بپذیری و ابا نکنی. القادر بالله حکم رسمی کرد که همه چه دیوان سالاران دربار و چه عامه مردم او را با این لقب بخوانند و این گونه

ملقب به «علم الهدی« گردید. [روضات، ص 575]

داستان سوال کردن

از حضرت علی علیه السلام

بین شیخ مفید و سید مرتضی (علم الهدی) در مورد مسئله ای اختلاف به وجود آمد.

هر دو موافقت کردند تا آن مسئله را به خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بنویسند.

پس از آن ، مسئله را نوشتند و بر بالای صندوق گذاشتند.

پس به خط سبز جواب نوشته شده بود که :

171#؛ انت شیخی و معتمدی و الحقّ مع ولدی علم الهدی؛

یعنی : تو مورد اعتماد من هستی و حق با فرزندم

علم الهدی (سید مرتضی) است.

وصیت عجیب

سید مرتضی در وصیت نامه زیبایی راجع به نمازش می گوید: 171#؛ تمام نمازهای واجب مرا که در طول عمرم خوانده ام به نیابت از من دوباره بخوانید.؛ دوستانش پرسیدند چرا؟! شما که فردی وارسته بودید و اهمیت فوق العاده ای به نماز می دادید، علاقه مند و عاشق نماز بودید و همیشه قبل از فرارسیدن وقت نماز وضو گرفته، آماده می شدید تا وقت نماز فرا رسد، حال چه شد که اینگونه وصیت می کنید؟!

سید در پاسخ فرمود: 171#؛ آری من علاقه مند به نماز بلکه عاشق نماز و راز و نیاز با خالق خود بودم و از راز و نیاز هم لذت فراوان می بردم، از این رو همیشه قبل از فرا رسیدن وقت نماز لحظه شماری می کردم تا وقت نماز برسد و این تکلیف الهی را انجام دهم و به دلیل همین علاقه شدید و لذت از نماز، وصیت می کنم که تمام نمازهای مرا دوباره بخوانید زیرا تصور من این است که شاید نمازهای من صد در صد خالص برای خدا انجام نگرفته باشد بلکه درصدی از آنها به خاطر لذت روحی و معنوی خودم به انجام رسیده باشد! پس همه را قضا کنید چون اگر یک درصد از نماز هم برای غیر خدا انجام گرفته باشد شایسته درگاه الهی نیست و می ترسم به همین سبب اعمال و راز و نیازهای من مورد پذیرش خدای منان قرار نگیرد!؛

مناعت طبع سیدمرتضی علم الهدی

دانشمند متنبع، مرحوم 171#؛ علی دوانی؛ در بیوگرافی این فقیه وارسته از رجال ابو علی، از کتاب

171#؛ اتحاف الوری؛ ضمن حوادث سال، نقل کرده است

که در این سال سیدمرتضی و برادرش سیدرضی

به زیارت بیت الله الحرام شتافتند. در بین راه

171#؛ ابن جراح طائی؛ از آنها طلب چیزی کرد و آنها نه هزار دینار

از مال خالص خویش را به او دادند.

و باز نوشته اند که وقتی چند کتاب به قیمت ده هزار دینار یا بیشتر برای سیدمرتضی خریداری کردند، موقع مطالعه دید که بر پشت یکی از آنها این دو شعر را نوشته اند:

و قد تحوج الحاجات یا ام مالک الی بیع اوراق

بهن ضنین و ما کان ظنی اننی سابعها و لو خلدتنی

فی السجون، دیونی.

(گاهی احتیاج و می دارد که اوراقی را که بیشتر

مورد علاقه است، فروخته گردد. من گمان نمی بردم

که روزی برسد که آن اوراق را بفروشم. هر چند طلبکارها مرا به زندان و می داشتند.)

این اشعار حاکی از فقر فروشنده آن بود که از روی ناچاری آن کتب نفیس را فروخته است. سید(ره)

تمام کتابها را به صاحبش بازگرداند و آن ده هزار دینار را نیز به او بخشید .

((نقل از کتاب فقهای نامدار شیعه، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی))

فعالیت های اجتماعی

بعد از سیدرضی برادر بزرگوارش امارت حج و نظارت بر دیوان مظالم به عهده سید مرتضی افتاد. از زمان خلفای بنی امیه تا زمان معتضد عباسی، فرزندان علی بن ابیطالب همیشه تحت تعقیب و مراقبت خلفا و ماموران بودند و معمولا در جنگ و گریزها به شهادت می رسیدند. هنگامی که حکومت و خلافت در سال 279 ق . به معتضد عباسی واگذار شد موضوع احترام به علویان و تعیین سرپرست مطرح شد و در هر شهری یکی از بزرگان سادات یا علمای علوی نقابت یعنی سرپرستی سادات آن شهر یا منطقه را به عهده گرفت . سید مرتضی علاوه بر نظارت بر نسب و دفاع از حقوق و حفظ شرافت آنان موظف بود در میان آنان قضاوت کند، سرپرستی اموال و دارایی یتیمان را بر عهده گیرد،

احکام الهی را در صورت ارتکاب گناه درباره آنان جاری کند، دختران و زنان بی سرپرست را شوهر دهد و از بی سرپرستان مراقبت کند.

امارت حج هم مسئولیت بزرگی بود که ریاست و رهبری زائران خانه خدا را به عهده داشت و معمولا شخص خلیفه آن را به عهده داشت . ولی گاهی خلیفه این مسئولیت بسیار مهم را به شخصی که شایستگی داشت واگذار می کرد.

نظارت بر دیوان که در آن به اعمال ظالمانه حکام و امرا و رجال بزرگ دولت زیر نظر شخص خلیفه رسیدگی می شد، نیز یکی از مسئولیت های خطیر اجتماعی بود.

وفات

سید مرتضی سرانجام پس از عمری پر بار

و انجام کارهایی بزرگ و ارزنده در حدود هشتاد سالگی در 25 ربیع الاول 436 هجری قمری در شهر بغداد

به جوار حق شتافت و به دست ابوالحسین نجاشی

و دیگر شاگردانش غسل داده شد و سپس فرزندش

سید محمد بر او نماز خواند و در خانه‌اش واقع در محله کرخ به خاک سپرده شد. پس از مدتی پیکر مطهر او به کربلا منتقل شد و در جوار جد بزرگوارش حضرت سید الشهداء در کنار قبر برادرش سید رضی در مقبره ابراهیم حجاب دفن گردید.